



پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و تاریخ فلسفه
دانشگاه باقرالعلوم

عنوان

اندیشه‌ها و نوآوری‌های فلسفی و کلامی امام خمینی (ره)

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان

استاد مشاور:

دکتر قاسم صفری (جوادی)

نگارش و پژوهش:

مجتبی نجفی مقدم

1386

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقديم به:

به احياء تفكر فلسفي و حكمي و خورشيد تابناك اندیشه اسلامي در افق تيره
و گمراهي هاي جهان معاصر حضرت امام خميني (قدس سره) و به روح معصومانه دختر
عزيزم مطهره نجفي كه خزان بازيهاي شيرين و كودكانه اش با تدوين پايان نامه مصادف
گرديد.

تقدیر و تشکر

با حمد و سپاس بی‌پایان از پروردگار مَنان، یاریگر و همراه همیشگی لحظات زندگی که بر انسان مَنّت نهاد تا خود را از جهل و نادانی برهاند و به لطف او و عنایت حجت او و ارشادات عالمان و اساتید، راه ترقی و عروج علمی و عملی را طی نموده و به سعادت نایل گردد در اینجا لازم می‌دانم از زحمات و مساعدتهای مادی و معنوی پدر و مادر عزیزم و خانواده ارجمندم در تمام مراحل زندگی، و از راهنمایی‌ها و مشاوره‌های اساتید معظم جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای دکتر محمد مهدی گرجیان و جناب استاد آقای دکتر قاسم صفری (جوادی) کمال تشکر و قدردانی را بنمایم. از خداوند متعال سعادت دنیا و آخرت را برای این عزیزان خواستارم.

در پایان از همه کسانی که به نحوی در تدوین این رساله یاریگر من بوده‌اند تشکر می‌نمایم.

حکیده

امام خمینی حکیم متأله ایرانی از مفاخر ساحت فلسفه و کلام و عرفان اسلامی هستند و در عرصه‌های علمی که در عصر خود در احیای تفکر فلسفی در ایران و جهان نقش مهمی را ایفاء نمودند اما امام به علت دارا بودن خصایص منحصر به فرد چون مرجعیت اعلی و رهبری سیاسی عالم تشیع و تجلی مبارزه با تحجرگرایی در دین، اساسی‌ترین نقش را در گسترش هر چه بیشتر فلسفه اسلامی در دوران فترت فلسفه و حکمت داشته‌اند و با اقتدار و جسارت علمی توانستند زمینه را برای ترقی و تعالی فلسفه و حکمت مهیا کنند بطوری که اگر این همت امام نبود شاید برای بزرگانی چون علامه طباطبائی (ره) به آسانی امکان نداشت که در ترویج و تشکیل حوزه‌ها و کرسی‌های فلسفه و حکمت به توفیقات مناسبی نائل شوند.

این مقاله و تحقیق به نقش این استاد عظیم الشان در دانش‌های عقلی و برهانی پرداخته و آراء و تقریرات و نوآوری‌های فلسفی و کلامی آن حکیم بزرگ اسلامی در چند بخش تنظیم شده است که در آغاز رساله به قالب و چارچوب نظری پژوهش پرداخته شده و هدف و انگیزه از این انتخاب این موضوع آورده است و در ادامه به زندگی‌نامه و بیوگرافی علمی و حکمی امام (ره) به عنوان حکیم متأله اشاره شده تا خواننده با توجه بیشتر به جایگاه علمی آن عالم سترگ اندیشه‌های فلسفی و کلامی ایشان را رصد نموده و اثبات شود که امام خمینی (ره) نیز دارای اندیشه و آراء بدیع بوده و تنها به نقل و ترجمه آثار گذشتگان بسنده ننموده و برکات علمی داشته‌اند. در بخش امور عامه و مباحث فلسفی مسائلی پیرامون وجود و ماهیت طرح نموده و آنها را در بوطه نقد و نظر قرار داده و نظر حکمی خویش را ابراز کرده‌اند بعنوان نمونه وی تشکیک در مفاهیم را رد می‌کند و تشکیک و ضعف و نقصان و کمال را مخصوص هویت خارجی می‌داند و... همچنین در طبیعیات مباحثی ارائه شده که حضرت امام عنایتی و علاقه‌ای به طبیعیات نشان نمی‌دهند و کمتر این بخش به بحث و بررسی پرداخته و فقط متذکر بعضی مسائل چون هیات بطلمیوسی و ابطال آن و نیز کثرت عقول شده است. در باب الهیات آرای بدیع و جدید از امام به جای مانده و ایشان برای اثبات وجود باری تعالی به برهان بی‌نهایت از طریق استشهدات قرآنی و روایی اشارت دارد و خداوند لایتناهی را مدرک غیر نمی‌داند و از این رهگذر وجود حق را اثبات می‌نماید و در اسماء و صفات نیز نظریات و تقریرات جدیدی دارد اما در بخش نبوت و امامت امام خمینی به جایگاه انسان کامل و امام و حجت در عالم هستی نظر کرده که به تعبیر شاگرد عظیم الشان آیت الله جوادی نبوت و معادلی که امام اثبات نموده و پیرامون آن بحث کرده فوق حد اثبات سایر متکلمین و اهل حکمت است مخصوصاً نظریه ولایت فقیه که از نوآوری‌های کلامی حضرت امام می‌باشد ایشان وقتی وارد مباحث نفس می‌شود و مسائل آنرا بررسی می‌نماید به جایگاه انسان کامل پرداخته و انسان کامل را صورت اسم اعظم معرفی می‌کنند در پایان به بخش معاد می‌رسیم که در این بحث بیانات لطیف و علمی از امام برمی‌خوریم که از جمله آنها سعادت و شقاوت و شفاعت است که با

تبیین و تقریر خاصی این مسائل را آورده و آنچه که در این بخش بیشتر جلوه دارد شفاعت می باشد که ایشان شفاعت را بانگاه دقیقی تقریر نموده و آنرا در افراد خاصی محقق می داند و آنان کسانی هستند که نور وجودیشان با نور ولایت عجین شده و همراه با ولی خویش مراتب راطی می کند پس کسی که نوری ندارد و اهل معصیت و طغیان است نباید امید شفاعت داشته باشد.

فهرست اجمالی مطالب

12.....	مقدمه: طرح تحقیق
13.....	<u>بیان مسأله</u>
13.....	<u>علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن</u>
13.....	<u>سابقه پژوهش:</u>
14.....	<u>سؤال اصلی:</u>
14.....	<u>فرضیه پژوهش:</u>
14.....	<u>مفاهیم و متغیرها:</u>
14.....	<u>اهداف پژوهش:</u>
14.....	<u>روش پژوهش:</u>
14.....	<u>سازماندهی پژوهش:</u>
16.....	ولادت نور
18.....	<u>مهارت امام خمینی(ره) در علوم عقلی و نقلی</u>
18.....	<u>تدریس فلسفه و شیوه بیانی امام خمینی(ره)</u>
19.....	<u>حوزه تدریس</u>
22.....	پیشگفتار
25.....	بخش اول: امور عامه
26.....	<u>وجود ذهنی شیء</u>

27	<u>انواع اشراق وجود به موجودات</u>
30	<u>قاعده زوج ترکیبی</u>
31	<u>حرکت جوهری در عالم طبیعت و برزخ</u>
33	<u>ردّ استشهاد ملاصدرا</u>
34	<u>سبق دهری</u>
35	<u>فقر موجودات و حاجت مندی آنها</u>
37	<u>اقسام فاعل</u>

Error! Bookmark not defined. بخش دوم: طبیعیات

Error! Bookmark not defined. جزء لایتجزی

Error! Bookmark not defined. هیأت بطلمیوسی

Error! Bookmark not defined. تسبیح موجودات

Error! Bookmark not defined. بخش سوم: الهیات

Error! Bookmark not defined. برهان بی‌نهایت

Error! Bookmark not defined. برهان فقر وجودی انسان

Error! Bookmark not defined. اثبات وجود کمال مطلق از طریق فطرت

defined.

46 اقسام فطرت

Error! Bookmark not defined. ذات الهی لا بشرط مقسمی

Error! Bookmark not defined. ایمان به واجب الوجود از شعب ایمان به اصالة الوجود

defined.

Error! Bookmark not defined. تنزیه حق از نقایص

49 توقیفی بودن اسماء

Error! Bookmark not defined. نور اسم صفت است یا اسم فعل

57 قدرت الهی

59 مجمل بودن حدیث لا جبر و لا تفویض

Error! Bookmark not defined. سمع و بصر در مورد خداوند متعال

Error! Bookmark not defined. مالکیت حق تعالی

Error! Bookmark not defined. بخش چهارم: نبوت

Error! Bookmark not defined. دیدگاه والای امام(ره) در باره نبوت

67..... سر اختلاف انبیا در نبوت

70..... معجزه عقلاء غیر از معجزه عوام

Error! Bookmark not defined. فرق نبوت ختمیه با سایر نبوات

Error! جسمانی بودن معراج پیامبر از رهگذر مجرد نفس

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined. بخش پنجم: امامت و ولایت

Error! Bookmark not defined. جایگاه امام در هستی

Error! Bookmark not defined. فرق بین نبوت و ولایت در جهت

Error! تفاوت پیامبر اسلام(ص) و حضرت امیرالمؤمنین علی(ع)

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined. نظریه کلامی ولایت فقیه از ابتکارات امام خمینی

defined.

Error! Bookmark not defined. بخش ششم: نفس

Error! Bookmark not defined. انسان کامل از منظر امام

84..... منشأ پیدایش نفس و مراتب آن

86..... رابطه بدن و نفس و ادراکات آن

Error! Bookmark not defined. تجرد نفس نظری است یا بدیهی

Error! Bookmark not defined. هبوط نفس

Error! Bookmark not defined. تأویل و توجیه روایات وارده در باره نفوس

defined.

Error! Bookmark not defined. توهم برتری همه انسانها بر تمامی حیوانات و رد آن

defined.

Error! Bookmark not defined. بازگشت عقل نظری به عقل عملی

97.....فرق میان مجردات در قوس صعود و نزول

98.....ملکات نفس

99.....عدم عرفان شیطان به انسان

Error! Bookmark not defined. خلاقیت نفس بعد از خروج از طبیعت

Error! Bookmark not defined. بخش هفتم: معاد

Error! Bookmark not defined. مرگ، حیات ثانوی ملکوتی

Error! Bookmark not defined. اقبال و ادبار نفس به طبیعت

Error! Bookmark not defined. مراد از کتاب اعمال

106.....اسباب شدت عذاب

107.....خلود

108.....سعادت و شقاوت

109.....سعادت و شقاوت نفوس ساذجه

Error! Bookmark not defined. سعادت عقول

Error! Bookmark not defined. معنای ظریف شفاعت

Error! Bookmark not defined. رجعت

114.....نتیجه

116.....فهرست منابع

فهرست تفصیلی مطالب

12.....	مقدمه: طرح تحقیق
13.....	<u>بیان مسأله</u>
13.....	<u>علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن</u>
13.....	<u>سابقه پژوهش:</u>
14.....	<u>سؤال اصلی:</u>
14.....	<u>فرضیه پژوهش:</u>
14.....	<u>مفاهیم و متغیرها:</u>
14.....	<u>اهداف پژوهش:</u>
14.....	<u>روش پژوهش:</u>
14.....	<u>سازماندهی پژوهش:</u>
16.....	ولادت نور
16.....	<u>تحصیلات امام خمینی(ره) در علوم عقلی و نقلی</u>
18.....	<u>مهارت امام خمینی(ره) در علوم عقلی و نقلی</u>
18.....	<u>تدریس فلسفه و شیوة بیانی امام خمینی(ره)</u>

19	<u>حوزه تدریس</u>
22	<u>پیشگفتار</u>
23	<u>روحیه نقادی امام</u>
24	<u>مواضع امام در برابر فلاسفه و فلسفه‌های دیگر</u>
24	<u>مخالفت امام با سبک مشائیان</u>
25	بخش اول: امور عامه
26	<u>مقدمه</u>
26	<u>وجود ذهنی شیء</u>
27	<u>انواع اشراق وجود به موجودات</u>
27	<u>نقد امام (ره) از حاجی سبزواری (ره)</u>
29	<u>متعلق جعل</u>
30	<u>قاعده زوج ترکیبی</u>
31	<u>تخلیه ماهیت از وجود عین تخلیه آن بوجود</u>
31	<u>حرکت جوهری در عالم طبیعت و برزخ</u>
32	<u>پیشینه حرکت جوهریه</u>
33	<u>ردّ استشهاد ملاصدرا</u>
33	<u>مفهوم و ماهیت زمان و دهر</u>
34	<u>سبق دهری</u>
34	<u>تشنیع متکلمین</u>
35	<u>تجدد و حرکت در معلول</u>
35	<u>فقر موجودات و حاجت‌مندی آنها</u>
36	<u>ردّ نظریه اصولیون</u>

28..... سنخیت بین علت و معلول

37..... علت در مجردات نه در طبیعیات

37..... تقسیم فواعل

Error! Bookmark not defined...... بخش دوم: طبیعیات

Error! Bookmark not defined...... مقدمه

Error! Bookmark not defined...... جزء لایتجزی

اشکال امام بر قطب

Error! Bookmark not defined...... رازی

defined.

Error! Bookmark not defined...... عقول عشره یادگاری از هیأت قدیم

defined.

Error! Bookmark not defined...... هیأت بطلمیوسی

Error! Bookmark not defined...... ملاحظه

Error! Bookmark not defined...... تفسیر سته ایام

Error! Bookmark not defined...... تسبیح موجودات

37..... الدنیا مزرعة الآخرة

Error! Bookmark not defined...... بخش سوم: الهیات

Error! Bookmark not defined...... مقدمه

Error! Bookmark not defined...... برهان بی نهایت

Error! Bookmark not defined...... برهان فقر وجودی انسان

Error! Bookmark not defined...... اثبات وجود کمال مطلق از طریق فطرت

defined.

43..... اقسام فطرت

Error! Bookmark not defined...... ذات الهی لا بشرط مقسمی

Error! Bookmark not defined...... ایمان به واجب الوجود از شعب ایمان به اصالة الوجود

defined.

Error! Bookmark not defined...... شبهه ابن کمونه و جواب امام (ره)

defined.

Error! Bookmark not defined...... تنزیه حق از نقایص

48..... توقیفی بودن اسماء

48.....اولین اسم حق تعالی

Error! Bookmark not defined. نور اسم صفت است یا اسم فعل.

Error! Bookmark not تعیین صادر اول و بیان خلط محقق قنوی

defined.

52.....صفت لطیف

Error! Bookmark نحوه تعلق علم تفصیلی حق تعالی به موجودات غیر فعلی

not defined.

54.....جایگاه و مناط علم تفصیلی

54.....علم فعلی همان اضافه اشراقی

Error! Bookmark not defined. تفسیر آیه «و علم آدم الاسماء»

56.....قدرت الهی

57.....تعارض قاعده الشیء مالم یجب با اختیار و حل آن

58.....مجمل بودن حدیث لا جبر و لا تفویض

59.....تعریض امام(ره) بر بعض محدثین

61.....اختلاف دانشمندان در موضوع طلب و اراده

Error! Bookmark not defined. تکلم الهی

Error! Bookmark not سمع و بصر در مورد خداوند متعال

defined.

Error! Bookmark not defined. مالکیت حق تعالی

Error! Bookmark not defined. بخش چهارم: نبوت

Error! Bookmark not defined. مقدمه

Error! Bookmark not دیدگاه والای امام(ره) در باره نبوت

defined.

66.....سر اختلاف انبیا در نبوت

66.....معنای شرح صدر انبیا

67.....علت ابتلای انبیا به امراض منفرد

68نبوت تعریفی

69معجزه عقلاء غیر از معجزه عوام

70مخاطبان قرآن

Error! Bookmark not defined. فرق نبوت ختمیه با سایر نبوات

Error! جسمانی بودن معراج پیامبر از رهگذر تجرد نفس

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined. بخش پنجم: امامت و ولایت

Error! Bookmark not defined. مقدمه:

Error! Bookmark not defined. جایگاه امام در هستی

Error! Bookmark not defined. فرق بین نبوت و ولایت در جهت

defined.

Error! تفاوت پیامبر اسلام(ص) و حضرت امیرالمؤمنین علی(ع)

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined. نظریه کلامی ولایت فقیه از ابتکارات امام خمینی

defined.

Error! Bookmark not defined. بخش ششم: نفس

Error! Bookmark not defined. مقدمه:

Error! Bookmark not defined. انسان کامل از منظر امام

84منشأ پیدایش نفس و مراتب آن

Error! Bookmark not defined. منشأ اختلاف نفوس

86رابطه بدن و نفس و ادراکات آن

Error! Bookmark not defined. حجت هفتم بر تجرد نفس ناطقه

Error! Bookmark not defined. تجرد نفس نظری است یا بدیهی ..

88قلب و صدر

89اختلاط قوا

89نفس امام قوا

Error! Bookmark not defined. هبوط نفس

Error! Bookmark not defined. نفس دارای هیولی

Error! Bookmark not defined. تاویل و توجیه روایات وارده در باره نفوس

92..... معنای النفس فی وحدتها کل القوی

Error! Bookmark not defined. توهم برتری همه انسانها بر تمامی حیوانات و رد آن

Error! Bookmark not defined. بازگشت عقل نظری به عقل عملی

96..... فرق میان مجردات در قوس صعود و نزول

97..... ملکات نفس

98..... عدم عرفان شیطان به انسان

99..... شرح حدیث عیسوی

99..... علت اختلاف در اتحاد عقل فعال با نفس

Error! Bookmark not defined. خلاقیت نفس بعد از خروج از طبیعت

Error! Bookmark not defined. بخش هفتم: معاد

Error! Bookmark not defined. مقدمه

Error! Bookmark not defined. قبض روح

Error! Bookmark not defined. مرگ، حیات ثانوی ملکوتی

Error! Bookmark not defined. اقبال و ادبار نفس به طبیعت

Error! Bookmark not defined. عالم مثال یا ملائک یا برزخ

Error! Bookmark not defined. مراد از کتاب اعمال

106..... ضرورت وجود جهنم و عذاب الیم

106..... ماهیت جنّت و نار

106..... اسباب شدّت عذاب

107..... خلود

107..... سعادت و شقاوت

108..... دو تفسیر از حدیث السعید سعید فی بطن امّه و

<u>109</u>	<u>سعادت و شقاوت نفوس سازجه</u>
<u>Error! Bookmark not defined.</u>	<u>سعادت عقول</u>
<u>Error! Bookmark not defined.</u>	<u>معناي ظريف شفاعت</u>
<u>Error! Bookmark not defined.</u>	<u>رجعت</u>
<u>114</u>	<u>نتيجه</u>
<u>116</u>	<u>فهرست منابع</u>

مقدمه:

طرح تحقیق

بیان مسأله

امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران از مفاخر شیعه می‌باشند که در زمان خویش بی‌بدیل و بی‌نظیر بودند و حتی می‌توان گفت با توجه به ابعاد شخصیتی امام راحل، ایشان در عصر غیبت بی‌نظیر هستند و همین انقلاب فکری و سیاسی و اجتماعی و... وی حاکی از جامعیت اوست و تاکنون در باره ابعاد علمی او سخنها گفته و کنگره‌ها بر پا شده و کتابهای زیادی نگاشته شده است در خصوص بعد سیاسی و اجتماعی و نیز فقهی و اجتهادی ایشان انصافاً زحمات و خدمات شایسته‌ای صورت گرفته هر چند هنوز نتوانسته‌اند حق مطلب را اداء کنند و نیاز به فعالیت بیشتری است از جمله مواردی که مغفول واقع گشته بعد فلسفی و کلامی آن شخصیت جهانی است که می‌توان ایشان را در زمره فیلسوفان و حکیمان متبحر درآورد و شاهد این ادعا مصارعات امام با حکیم بزرگ جهان اسلام ملاصدرا است که در آثار او می‌توان این منازعات و مناقشات را بوضوح مشاهده نمود. همت این پژوهش بر ارائه دیدگاه‌های فلسفی و کلامی امام خمینی است.

علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن

از دلایل انتخاب این موضوع، علاقه شخصی به ارائه دیدگاه‌های فلسفی و کلامی مغفول حضرت امام خمینی است البته ناگفته نماند که فعالیت‌های علمی و نوشتاری قابل تقدیری صورت گرفته است اما به صورت پراکنده بوده و در قالب یک مجموعه دیده نشده است بهمین خاطر اکثر نظرات فلسفی و کلامی امام راحل (ره) در این نوشتار گرد آمده و سهل الوصول گشته است البته در بعضی موارد مسائلی فقهی و سیاسی نیز مطرح شده است ولی به این مباحث فقهی و سیاسی با رویکرد فلسفی و کلامی پرداخته شده و قالب کلامی و فلسفی بخود گرفته است و شاید یکی از فوائد این تحقیق تلاش و کوشش بیشتر برای شناساندن بعد علمی حضرت امام (ره) باشد و همچنین این مجموعه نسبت به دیگر کارهای علمی ارزشمند از جهت گردآوری آراء و نوآوری، تقریرات و بیان خاص از جامعیت بیشتر برخوردار بوده و این از اهمیت‌های چنین پروژه تحقیقاتی است.

سابقه پژوهش:

در رابطه مباحث فلسفی و کلامی امام کتابهایی نگاشته شده که بیشتر به تاریخچه و فعالیت‌های علمی آن امام اهتمام داشته و تعدادی نیز پایان‌نامه و مقاله در دسترس می‌باشد که اکثر آنها با موضوع واحد و محدودی ارائه گردیده ولی این مجموعه از جامعیت خاصی برخوردار است. و تنها کتب و مجموعه ارزشمند فلسفی حضرت امام که تقریرات فلسفه ایشان در 3 جلد توسط آیت الله عبدالغنی اردبیلی نگاشته شد تقریرات درس امام می‌باشد که بنحو صریح و برجسته به نوآوری ایشان اشاره نشده است.

سؤال اصلی:

آیا امام خمینی (ره) با تمام ویژگیهای سیاسی، اجتماعی، فقهی و... دارای اندیشه و نوآوریها در حوزه فلسفه و کلام نیز بوده‌اند؟ و نوآوریهای ایشان در این عرصه چیست؟

فرضیه پژوهش:

امام خمینی در حوزه فلسفه و کلام نیز دارای تبحر و آراء خاص بوده‌اند و این آراء در دسترس می‌باشد ولی باید با دقت استقراء و جستجوی کامل در آن صورت بگیرد تا از این کلام و نوشته و یا تقریر ایشان آن آراء و اندیشه‌های نو بدست آید و در یک مجموعه جمع‌آوری گردد.

مفاهیم و متغیرها:

مفاهیم عبارتند از: اندیشه – نوآوری – فلسفه اسلامی – کلام اسلامی
متغیرها عبارت است از این که حضرت امام در حوزه فلسفه و کلام اسلامی دارای اندیشه نو بوده و باید به آن دست یافت و آن را با سیر منطقی و روشمند ارائه نمود.

اهداف پژوهش:

- 1- بررسی شناساندن بیشتر ابعاد علمی امام در حوزه فلسفه و کلام اسلامی.
- 2- دستیابی به آراء و اندیشه‌های نو امام خمینی (ره)
- 3- تدوین و گردآوری آراء و اندیشه‌های نو امام از منابع مختلف در یک مجموعه جامع

روش پژوهش:

روش پژوهش توصیفی – تحلیلی با استناد به متون و تقریرات و بیانات موجود از امام خمینی است و روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها کتابخانه‌ای می باشد.

سازماندهی پژوهش:

این رساله شامل بخش‌های زیر است:

- 1- چارچوب نظری پژوهش: در این قسمت به بررسی شاخه‌های گوناگون چارچوب نظری از جمله بیان مسأله، علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن – اهداف پژوهش – سابقه پژوهش – مفاهیم و متغیرها و... پرداخته شده است.
- 2- زندگینامه امام خمینی: این قسمت شامل تولد، تحصیلات، فعالیت‌های علمی و تدریس فلسفه و کلام اسلامی، تبحر امام در فلسفه به عنوان فقه‌اکبر و... است.
- 3- پیشگفتار: در پیشگفتار سعی شده که نگاه خاص امام به فلسفه و اهتمام ایشان در اینگونه مباحث و روحیه نقادی و موضع ایشان در مواجهه با فلسفه‌های غرب ارائه گردد.
- 4- بخش امور عامه: در این بخش به مباحث فلسفی با محوریت امور عامه پرداخته شده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

- 5- بخش طبیعیات: در این قسمت مسائل طبیعی و فلکیات و هیأت به طور اجمالی ذکر شده است.
- 6- بخش الهیات: مباحث توحیدی و اسماء و صفات الهی در این بخش آمده است.
- 7- بخش نبوت: در این قسمت رسالت انبیاء و پیامبر خاتم به بحث گذاشته شده است.
- 8- بخش امامت و ولایت: بخش امامت و ولایت به جایگاه امام در هستی و مسائل پیرامون آن پرداخته است.
- 9- بخش نفس: در این بخش از انسان کامل، ایمان و کفر و... سخن به میان آمده است.
- 10- بخش معاد: این بخش به مسائلی چون معاد جسمانی، شفاعت، سعادت و شقاوت و... اشاره دارد.

زندگینامه امام خمینی

ولادت نور

امام(ره) در تاریخ بیست جمادی الثانی 1320 هـ. ق. مصادف با میلاد حضرت فاطمه(س) در خمین

در يك خانواده روحانی و مبارز چشم به جهان گشود. پدرش، آیت الله شهید حاج سید مصطفی خمینی از مشاهیر علمای شیعه در اوایل قرن چهاردهم هجری بود. شهید حاج سید مصطفی خمینی تحصیلات فقهی خود را در ایران و عتبات عالیات نزد علمای برجسته آن زمان تا رسیدن به درجه اجتهاد دنبال کرد؛ و سپس جهت ترویج و انجام خدمات مذهبی به زادگاه خویش «خمین» بازگشت. شهید خمینی مجتهدی فقیه و دانشمند مین، شجاع و با ابهت بود. از تواضع، تقوا، فضایل اخلاقی، گذشت و ایثار زیادی برخوردار بود؛ ولی تاب تحمل بیدادگری و مظالم ستمگران و خانهای غارتگر را نداشت و به مبارزه با آنان برخاست. شهید خمینی در آگاهی دادن به مردم و نصیحت به مالکان، سالها رسالت خویش را ایفا کرد و گاه ناگزیر می‌شد مردانه علیه مظالم و توطئه‌های آنان قیام کند. اربابان ستمگر علیه او دسیسه‌ها چیدند، سرانجام موقعی که قصد مسافرت از خمین به اراک را داشت در بین راه به وسیله رضاقلی خان و جعفرقلی خان مورد سوء قصد قرار گرفت و در 47 سالگی به شهادت رسید.

پس از شهادت پدر، مادر بزرگوارش، بانو هاجر احمدی و عمه‌اش بانو صاحبه خانم معروف به خواهر آقا سرپرستی ایشان را به عهده گرفتند و دایه‌ای به نام ننه خاور را برای نگهداری از او برگزیدند. در سال 1336 هـ. ق. در حالی که هنوز پانزده سال از عمر شریفش سپری نشده بود، ابتدا عمه و سپس مادرش را از دست داد. جدش آقا سید احمد معروف به هندی از علمای نجف بود که بنا بر خواهش مردم فراهان و کمره (از بخشهای خمین) به این شهرستان مهاجرت کرد.

تحصیلات امام خمینی(ره) در علوم عقلی و نقلی

حضرت امام، تحصیلات ابتدایی خویش را نزد معلمی به نام میرزا محمود، در منزل پدرش شروع کرد و در مدت کوتاهی خواندن و نوشتن را فرا گرفت. پس از آن در مکتب ملا ابوالقاسم و شیخ جعفر به فراگرفتن ادبیات فارسی ادامه داد و سپس در مدرسه تازه تأسیس احمدیه نزد آقا حمزه محلاتی هنر خط را نیکو فرا گرفت و هنوز پانزده ساله نشده بود که تحصیلات فارسی معمول آن روز را به پایان رسانید. علاقه به پدر و راه او سبب شد تا به فراگیری علوم اسلامی بپردازد، صرف و نحو را نزد شیخ جعفر، پسر عموی مادرش و پس از آن پیش میرزا محمود افتخار العلماء و سپس حاج میرزا محمد مهدی، دایی خود و بعد از آن نزد مرحوم حاج میرزا رضا نجفی، شوهر خواهر خود؛ و منطق و سیوطی و مطول را از محضر برادر بزرگش آیت الله سید مرتضی موسوی معروف به پسندیده فرا گرفت. او تا سال 1338 هـ. ق. به استفاده از درس برادر خود اکتفا کرد و پس از آن به منظور ادامه تحصیل تصمیم گرفت به اصفهان مهاجرت کند. اما آوازه و شهرت حوزه تازه تأسیس اراک تحت زعامت مؤسس عالیقدر حوزه علمیه قم مرحوم آیت الله حائری یزدی، او را تحت تأثیر قرار داد؛ و بدین جهت در سال 1339 هـ. ق. به

اراک آمد و نزد مرحوم شیخ محمد گلپایگانی منطق، و خدمت مرحوم آقا شیخ عباس اراکی شرح لمعه را خواند و مقداری از سطح را نیز نزد مرحوم آیت الله حاج سید محمدتقی خوانساری فرا گرفت. اراک در آن زمان یکی از مراکز علمی ایران به شمار می آمد. وقتی مرحوم آیت الله حائری از اراک برای زیارت به قم می آمد تعدادی از علمای قم گرد وی جمع شدند و از او درخواست کردند که در این شهر ماندگار شود. وقتی وی در قم سکونت گزید، طلاب و شاگردان او نیز از جمله حضرت امام، که در اراک بودند، راهی قم شدند. امام در مدرسه دارالشفای ساکن شد و با تلاش فوق العاده ای به ادامه تحصیلات خود پرداخت. آنگاه در حلقه شاگردان آیت الله حائری، مرحوم آقا میرسید علی یثربی کاشانی (م. 1379 ه. ق) آیت الله شیخ محمدرضا نجفی و آیت الله شیخ ابوالقاسم کبیر - که بیشتر برای بهره وری از انفاس قدسی ایشان شرکت می کرد - درآمد؛ و در مدت کوتاهی به درجه عالیله اجتهاد نایل، و در زمره یکی از مجتهدان مبرز و نوابغ علمی و مدرسان بزرگ حوزه به شمار آمد.

امام علاوه بر مقام ممتاز فقاہت، در علوم هیئت، ریاضیات، فلسفه و عرفان نیز دارای مهارتی ویژه و تخصصی کامل بود. استاد ایشان در علم هیئت و ریاضیات، مرحوم شیخ علی اکبر حکیم یزدی بود. بنا به گفته آیت الله حاج سید مصطفی خوانساری، حضرت امام در درس معقول میرزا علی اکبر حکیم یزدی نیز شرکت می کرده است. امام مدت چهار سال به درس شرح منظومه مرحوم آیت الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی رفت و وقتی چند جلسه ای در درس اسفار ایشان شرکت کرد، متوجه شد که نیازی به استاد ندارد. امام مقدار زیادی از اسفار را با مرحوم آقا میرزا خلیل کمره ای مباحثه کرد و در ضمن به تدریس شرح منظومه نیز پرداخت. در جلسه درس شرح منظومه که در دارالشفای برگزار می شد، شاگردان و طلاب زیادی شرکت می کردند.

استاد جعفر سبحانی می گوید:

«مشایخ فلسفه و عرفان امام عبارتند از:

1- مرحوم میرزا علی حکیم یزدی متوفای 1344 ه. ق؛

2- مرحوم حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی متوفای 1396 ه. ق.

3- مرحوم آیت الله میرزا محمد علی شاه آبادی.

قسمت مختصری از اسفار را نزد مرحوم حکیم یزدی تحصیل نمود و سپس به خاطر اختلاف نظری که در شیوه تدریس داشت، درس او را ترک گفت و همه منظومه را از اول تا آخر نزد مرحوم رفیعی گذراند. قسمتی از امور عامه اسفار را هم نزد ایشان فرا گرفت.

امام علاوه بر فلسفه اسلامی، جهت آشنایی با آرا و نظریات فلاسفه و متفکران غرب نیز تلاش می کرد. تا آنجا که مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدرضا مسجد شاهی اصفهانی، از مشایخ روایی امام، درسی را به نقد و رد فلسفه داروین اختصاص داده بود و حضرت امام در این درس نیز شرکت می کرد.¹

1 - جعفر سبحانی، مصاحبه، مجله حوزه، ش 32، 1368 ش، ص 115-116.

مهارت امام خمینی(ره) در علوم عقلی و نقلی

در میان علما و مراجع بزرگ اسلام کمتر دیده می‌شود که عالمی در چند رشته از علوم تخصصی، مهارتی کامل داشته باشد، چنانکه در علوم روز نیز کسی دارای تخصص در چند رشته متفاوت است. وقتی از اصول فقه امام سؤال می‌شد، گروه زیادی از صاحب‌نظران اصول، ایشانرا برتر و ژرف‌تر از اصولیین معاصر می‌دانستند؛ و وقتی که از مراتب علمی ایشان در علوم عقلی سخن به میان می‌آمد، گروه بیشماری ایشان را یکه‌تاز میدان فلسفه و حکمت معرفی کرده، در برابر عظمت فکری ایشان در بررسی مسائل غامض و پیچیده علوم عقلی، سر تعظیم فرود می‌آوردند. در تاریخ علمای تشیع، کمتر به چنین شخصیتی برمی‌خوریم که در هر رشته علوم معقول و منقول، یکه تاز، و دست کم نزد جمعی از صاحب‌نظران در فقه، بی مانند و در فلسفه، بی همتا باشد، و فقیه دوران و فیلسوف زمان خوانده شود.² کاری که ایشان برای عالم اسلامی و برای حوزه‌های علمیه انجام داد، از آن زمان تاکنون مشابه نداشته است. در بعد فقه، فلسفه، عرفان، اخلاق و مسائل اجتماعی، بزرگان زیادی داشته‌ایم که هر یک از منشأ آثار بزرگ و خدمات ارزنده‌ای هم بوده‌اند؛ اما من حیث المجموع یک چنین شخصیتی را هرگز نداشته‌ایم.³

آیت الله محمد فاضل لنکرانی درباره جامعیت امام در علوم عقلی و نقلی می‌گوید:

«امام بزرگوار در مرحله تألیف کتابهای متعددی در فقه، اصول، فلسفه، مباحث اخلاقی، مباحث اقتصادی و مباحثی که مربوط به حدیث و روایت است از خود بر جای گذاشته‌اند. امام بزرگوار در مقام علمی، یک فرد جامع به تمام معنا بود. فقیه کامل، اصولی متبحر، فیلسوف بی نظیر، عارف به تمام معنایکلمه، متخصص در علم اخلاق و تربیتهای علمی اخلاقی و همین طور جهات مختلف دیگر و حتی در شعر هم دارای یک سهم بسیار چشمگیر بودند.»⁴

یادگار امام، مرحوم سید احمد خمینی می‌گوید:

«هیچ کسی به پای امام در فلسفه اسلامی نمی‌رسد.»⁵

تدریس فلسفه و شیوه بیانی امام خمینی(ره)

امام در سال 1347 ه.ق. در حالی که تنها 27 سال داشت، تدریس فلسفه را آغاز کرد و ضمن اینکه در انتخاب شاگرد و کتابی که به عنوان متن درسی باید تدریس شود، دقت فراوانی به خرج می‌داد؛ از امتحان کتبی و شفاهی شاگردان خود و تهذیب نفس و رشد قوای اخلاقی آنان نیز هرگز غافل نبود؛ و این گونه بود که در کنار درس فلسفه به تدریس اخلاق نیز همت گماشت. از امام نقل شده است که می‌فرمود: از شاگردان درس فلسفه می‌خواستم درس را بنویسند و بیاورند، اگر می‌دیدم نمی‌فهمند، اجازه ورود به

2 - سید حمید روحانی، نهضت امام خمینی، قم: دارالفکر، ج 1، ص 36-37.

3 - سید عزالدین زنجانی، «مصاحبه»، مجله حوزه؛ ش 32، 1368 ه.ش، ص 74-75.

1 - محمد فاضل لنکرانی، «مصاحبه»، همان، ص 130.

1 - سید احمد خمینی، مجموعه آثار یادگار امام، مؤسسه تنظیم و نشر

آثار امام خمینی، ج 1، ص 117.

درس را نمی‌دادم. مرحوم حاج سید احمد خمینی در باره شیوه بیانی امام در تبیین مسائل فلسفی برای عوام و خواص مردم می‌گوید:

«امام مسائل پیچیده فلسفی و عرفانی را با ساده‌ترین کلام بیان می‌کردند و همه از فیلسوف و عوام حرف ایشان را می‌فهمیدند. هرگز در زبان ارتباطی ایشان از «ایسم»‌ها و عبارات و اصطلاحات نامأنوس خبری نبود.»⁶

آیت الله سید عزالدین زنجانی می‌گوید که پس از آمدن علامه سید محمدحسین طباطبایی (ره) به قم و رواج نسبی فلسفه، حضرت امام درس فلسفه و معقول را تعطیل، و درس فقه و اصول را شروع کردند. این بیانگر این واقعیت است که حضرت امام از سال 1347 ه. ق. تا 1360 ه. ق. آنچنان جو مسموم مخالفت را با فلسفه را در هم شکستند که با آمدن مرحوم علامه طباطبائی نیازی به تدریس این علم را ضروری نمی‌دیدند و زمینه را برای ادامه ترویج فلسفه در حوزه علمیه توسط علامه، فراهم نمودند.

حوزه تدریس

تاریخ فلسفه و حکمت حاکی از یک واقعیت تلخی است که ژرف اندیشان علوم عقلی و حکمی را با چالش هایوحتی بحران های عظیمی روبرو کرده که در برخی موارد منجر به جانفشانی گردیده است. درباره امام راحل و شرایط حاکم بر آن زمان نیز باید گفت که امام به عنوان خط شکن جبهه حکمت و فلسفه در زمان خویش مطرح است بطوری که اگر جسارت این حکیم شجاع نبود این شکوفایی و رشد را شاهد نبودیم گوشه ای از این شرایط در مقدمه تقریرات فلسفه امام خمینی آمده که از آن منبع نقل می شود:

«تدریس حکمت متعالیه در حوزه‌های علمیه فراز و فرود فراوانی داشته و دورانی که امام راحل به تدریس عرفان و فلسفه صدرایی همت گماردند، بسیاری از کج‌اندیشان حکمت ستیز، دشمنی با حکمت متعالیه و دشنام به صدرالمتألهین را دست‌مایه سودای عوام‌فریبی خویش ساخته و چنانکه صدرا را صدرالکفره می‌خواندند، امام را نیز به کنایه تکفیر نموده و غم و اندوهی که از هتاک این سنگ‌اندیشان در جای جای گفته‌ها و نوشته‌های آن روح ملکوتی به جا مانده است، نشان از ناگفته‌های فراوان دارد. شگفتا! اینان از خود نپرسیده‌اند که چگونه درک معنای يك «لا تنقض الیقین» نیازمند سالها تحقیق و هزاران صفحه بررسی است، ولی فهم صدها آیه و روایت توحیدی، در خور لحظه‌ای درنگ و تأمل نیست؟ مگر نه این است که حکمت متعالیه حاصل تعقل و موشکافیهای فرزانه‌گانی است که عمر گرانبهائی خویش را به کندوکاو در درک حقیقت هستی و واقعیت مبدأ و معاد سپری کرده‌اند؟! و مگر جز این است که اگر تکفیرکننده صدرا هم از خرد سهمی بیش از آنچه که دارد داشت، ناچار بود برای رسیدن به حقیقت توحید بیش از صدرا بیاندیشد و برای تفهیم آن افزون بر اسفار بنویسد تا شاید به بخشی از مفاهیم بلند يك آیه یا روایت توحیدی دست یابد و گوشه‌ای از معنای آن را دریابد و به بهانه آنکه فلسفه ریشه در یونان داشته و به دور از مبدأ وحی و روایات معصومان (ع) نشو و نما یافته، تفکر در اساس هستی را بی‌فایده و زاید و بلکه گمراه‌کننده نیانگارد و خویش‌ستن را با درکی ناقص و به دور از روح تعالیم اولیای الهی، وارث علوم اولین و آخرین نپندارد؛ که اگر بدان جهت که دیگران پیش از ما نام استصحاب و برانته و اجتهاد را به زبان آورده‌اند و یا از این روی که بطلمیوسیان

پیش از ما کیوان و ماه و خورشید را رصد کرده‌اند، بتوان از فقاقت چشم پوشید یا تمامی کرات آسمانی را وهم و خیال انگاشت، می‌توان به بهانه آنکه یونانیان و پهلویان قبل از ما در فکر شناخت هستی و آفریننده موجودات بوده‌اند، از علم توحید و نیل به حقایق مبدأ و معاد نیز در گذشت.

به هر روی از آنجا که تدریس فلسفه و عرفان در آن دوران مستلزم تحمل صدمات فراوان بوده و از لحاظ منافع ظاهری و وجهه اجتماعی نیز جالب توجه نبوده است، عده کمی حاضر به تدریس و همچنین یادگیری این علوم بوده‌اند و آنان نیز که به این عرصه قدم می‌گذاشتند سعی در پنهان نمودن آن داشته‌اند⁷ به همین جهت سیر تدریس این علوم به طور عموم و در مورد حضرت امام نیز که مورد بحث ما می‌باشد، خالی از ابهام نیست ولی با توجه به آنچه در حال حاضر در دست است حضرت امام(ره) پیش از حدود سال 1308 ش. به تدریس کتب صدر المتألهین

اشتغال داشته‌اند و یک دوره اسفار به غیر از مباحث جواهر و اعراض و بخش‌هایی از آن را به صورت مکرر و بیش از سه دوره شرح منظومه تدریس فرموده‌اند.

امام خمینی(ره) درباره تدریس فلسفه می‌فرماید:

«پس از فوت مرحوم آقای حائری با عده‌ای از رفقا بحث داشتیم، تا آنکه مرحوم آقای بروجردی — رحمه الله — به قم آمدند، برای ترویج ایشان به درس ایشان رفتم و استفاده هم نمودم و از مدتها قبل از آمدن آقای بروجردی عمده اشتغال به تدریس معقول و عرفان و سطوح عالییه اصول و فقه بود، پس از آمدن ایشان به تقاضای آقایان، مثل مرحوم آقای مطهری به تدریس خارج فقه مشغول شدم و از علوم عقلیه باز ماندم؛ و این اشتغال در طول اقامت قم و مدت اقامت نجف مستدام بود و پس از انتقال به پاریس از همه محروم و به امور دیگر اشتغال داشتیم که تاکنون ادامه دارد»⁸.

امام در تربیت شاگردان فاضل، بسیار کوشا و جدی بود. شاگردان فلسفه را خوب کنترل می‌کرد؛ و اگر فردی شایستگی آموختن این علم را نداشت از شرکت او در مجلس درس جلوگیری می‌نمود. چه بسا اتفاق می‌افتاد که می‌دید در مجلس درس افراد ناباب و کم‌جنبه شرکت جست‌ه‌اند که ممکن است به انحراف و گمراهی کشیده شوند، از درس گفتن خودداری می‌ورزید و از مجلس درس خارج می‌شد، در ضمن

1- البته کسانی هم بوده‌اند که این میراث گرانبها را حتی به قیمت

تکفیر و محرومیت از حقوق حقه خویش حفظ و ترویج نموده‌اند؛ که

از آن جمله می‌توان به مرحوم آیت الله شاه‌آبادی اشاره نمود.

استاد آشتیانی در این باره می‌نویسد: مرحوم شاه‌آبادی مطلقاً

اعتنا به گفته مخالفان فلسفه و عرفان نداشت، مانند کوه

استوار بود و در فکر او این معنی که انغمار در الهیات و

عرفان ممکن است به جنبه شریعتمداری او لطمه بزند، خطور

نمی‌کرد (شرح مقدمه قیصری، ص 33-34).

1- مجله حضور، ش 1، (خرداد 1370)، ص 5.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

**همزمان با تدریس فلسفه برای افراد شایسته و مورد اعتماد به طور خصوصی و
سری بحثی از علوم عرفان نیز شروع کرد.⁹**

بنابر آنچه گفته شد می توان چنین برداشتی راداشت که امام خمینی باشناخت شرایط زمان و مکان
و نیازسنجی حوزه های علمی آن زمان به مباحث فلسفی و حکمی روی آورده و خود را از شهرت علمی فقهی
کنار کشید که این حرکت موجب دگرگونی در افکار عمومی و حتی خواص جامعه گردید و دست مایه برکات
و آثار جهانی شد.

2 - به نقل از تقریرات فلسفه امام خمینی، ج 1 مقدمه صص 11، 12، و نهضت
فلسفی امام خمینی ص 15.

پیشگفتار

مجموعه‌ای که پیش رو دارید حاصل گردآوری آراء و نظرات حضرت امام خمینی (ره) پیرامون فلسفه و کلام اسلامی است که در ضمن آثار مکتوب و جلسات درس فلسفه و بیانات و سخنرانیهای ایشان ثبت و ضبط شده است و شامل تبیین، شرح و تفسیر و نقد و بررسی دیدگاههای مقبول و بیان دیدگاههای خاص حضرت امام از بیان و قلم ایشان می‌باشد.

در میان علماء و مراجع بزرگ اسلام کمتر دیده می‌شود که عالمی در چند رشته از علوم تخصصی، مهارتی کامل داشته باشد اما امام در رشته‌های مختلف علمی از جمله فقه، اصول، تفسیر، حکمت، عرفان، فلسفه، سیاست و... سرآمد بود گروه بی‌شماری ایشان را یک‌ه تاز میدان فلسفه و حکمت و حتی عرفان معرفی کرده و در برابر عظمت فکری ایشان در بررسی مسائل غامض و پیچیده علوم عقلی سر تعظیم فرود می‌آوردند. از ویژگیهای برجسته امام تبیین مباحث فلسفی به زبان ساده و قابل فهم برای عوام و خواص مردم بود. در این رابطه مرحوم حاج احمد آقا خمینی (ره) می‌گوید: **امام مسائل پیچیده فلسفی و عرفانی را با ساده‌ترین کلام بیان می‌کردند و همه از فیلسوف و عوام حرف ایشان را می‌فهمیدند هرگز در زبان ارتباطی ایشان از «ایسم‌ها» و عبارات و اصطلاحات نامأموس خبری نبود... 1**

تخصص ویژه امام خمینی در علوم عقلیه موجب شد که ایشان از همان عنفوان جوانی تنها پاسخگویی اشکالات و شبهات عقلی نسبت به اسلام در حوزه علمیه قم باشد و در آن روز اگر کسی نسبت به مسائل دینی اشکال داشت و برای حل آن به قم رجوع می‌کرد — با این که علمای زبردست و طراز اول در قم می‌زیستند او را برای برطرف کردن ابهام و اشکالشان به حضور امام خمینی (ره) راهنمایی می‌کردند حتی آیت الله بروجردی (ره) نیز حضرت امام را بهترین منبع جهت پاسخگویی شبهات عقلی می‌دانست و اگر کسی سؤال فلسفی یا شبهه‌ای عقلی داشت او را به حضرت امام ارجاع می‌دادند.

حضرت امام (ره) بیش از آن که در دیگر علوم شهرت داشته باشند در فلسفه و عرفان سخن دارند یعنی بیش از آن که يك سیاستمدار، یا مفسر باشند عارف و فیلسوف‌اند. مجتهد باید در چهارده علم صاحب نظر باشد اما فلسفه و عرفان جزو آنها نیست با این وجود حضرت امام علاوه بر سایر علوم در این دو علم تبحر داشتند بسیاری از تألیفات ایشان هم در علوم عقلی و عرفانی است.¹

روحیه نقادی امام

مرحوم امام در لابه لای بحث های اسفار سخن کاروان سالار حکمت متعالیه را هم به بوته نقد می نهد و بر آن خرده می گیرد این اشکالها از يك سوي نشانگر ژرف نگری و صاحب نظری اوست و از سويي دیگر شیوه پژوهش آزاد و خوي تیزبینی و نقادی را شاگردان می پروراند.

در مسأله حدوث و قدم نفس، آن جا که مرحوم صدر المتألهین بر ادله شیخ اشراق ایراد گرفته، مرحوم امام بیشتر و یا همه اشکالهای صدر المتألهین را پاسخ می گوید و به برخی جنبه های مسأله به گونه ای دیگر می نگرد جالب اینکه در پاسخ به یکی از ایرادهای صدر المتألهین مرحوم امام مطلبی را گفته اند که در تقریرات آمده¹⁰ و بر همین اشکال صدرا، علامه طباطبایی و حکیم سبزواری (ره) نیز اشکال کرده اند¹¹ ولی ایراد امام با سخن آنان متفاوت بوده و خود، اشکال مستقل است.¹² یادآور می شویم که حاشیه های مرحوم علامه طباطبایی بر اسفار سالهای پس از تاریخی که مرحوم امام تدریس می کرده به چاپ رسیده است. ایشان در آن هنگام، به این حواشی دسترسی نداشت.¹³

حضرت امام خمینی (ره) حتی در مواردی با ملا صدرا (ره) و شیخ اشراق (ره) نیز مخالفت کرده اند به عنوان مثال ایشان در یکی از سخنانی که برای عموم القا می نمودند گفتند: ﴿و تَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدًا وَ هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ﴾¹⁴ گرچه بعضی گفته اند این حرکت جبال، حرکت جوهری است ولی ربطی به آن ندارد.

این سخن ایشان در حالی است که بزرگترین علمای حوزه خود را در حدی نمی بینند که بخواهند از ملا صدرا انتقاد کنند و حتی خود حضرت امام (ره) هم در يك جایی می فرماید: «ملا صدرا و ما ادريك ملا صدرا» و این آیه بزرگترین شاهد ملا صدرا بر اثبات «حرکت جوهری» - یعنی ابتکاری ترین نظریه او در فلسفه - است.¹⁵

امام راحل معتقد بود بنابر این سخنی که زبانزد بعضی است که این فلسفه از یونان اخذ شده غلط است کی فلاسفه یونان از این حرفها سر در آورده و چه کسی سراغی از این حرفها در کتب آنها دارد این حرفها در کتب آنها نبوده و نخواهد بود. بهترین کتاب فلسفی آنها اثولوجیا است که دارای مختصری از معارف بوده و بقیه اش طبیعیات است بلی شفاي شیخ فلسفه یونانی است و در آن هم این حرفها نیست. و باز گمان نشود که حاجی و یا حکمای اسلامی این حرفها را از خود در آورده باشند بلکه این حرفها در ادعیه بیشتر از منظومه است و صحیفه سجادیه و نهج البلاغه در قرآن منبع و سرچشمه ما در این حرفهاست بیایید منظومه را با این ادعیه مقایسه نموده ببینیم در کداميك مطالب و معارف حقه بیشتر است.

1- احمد عابدی، آشنایی با اندیشه های امام خمینی، ص 8

2- تقریرات فلسفه امام خمینی، ج 3، ص 112.

3- اسفار اربعه، ج 8، ص 350.

4- مجموعه اشراق، ج 1، ص 48

5- نمل - آیه 88,3

6- احمد عابدی، آشنایی با اندیشه های امام خمینی، ص 11.

منظومه در يك رشته و اشاره به يك غرض است ولي ادعيه در رشته‌هاي مختلف و داراي اغراض متعدده است.¹⁶

مواضع امام در برابر فلاسفه و فلسفه‌هاي ديگر

امام خميني در برابر فلسفه يونان وضع معتدلي داشتند از طرفي از ارسطو به عنوان پايه‌گذار علم منطق ياد مي‌کردند و از طرف ديگر فيلسوفان الهي يونان افلاطون را مورد تمجيد قرار مي‌دادند و مي‌گفتند او در باب الهيات آراء متين و محکم دارد که شيخ شهاب الدين حکيم اشراق و صدر المتألهين فيلسوف شهير اسلامي بعضي از آنها را مبرهن و مدلل کرده‌اند مثل قول به مثل افلاطونيه و مثل معلقه و نیز در باره فلسفه يونان مي‌فرمایند:

مسأله بعثت يك تحول علمي — عرفاني بر عالم ايجاد كرد كه آن فلسفه‌هاي خشك يوناني را كه به دست يوناني‌ها تحقق پيدا کرده و ارزش هم داشت و دارد ليكن مبذل كرد به يك عرفان عيني، يك شهود واقعي براي ارباب شهود.¹⁷

مخالفت امام با سبک مشائیان

حضرت امام(ره) در کتاب‌هایشان در همین مسیر حکمت و عرفان قرار دارند. ایشان معمولاً معرفت‌هاي عقلي را نکوهش مي‌کنند و آن را قیل و قال مدرسه مي‌دانند مي‌گویند: **کتاب شفا شفا نداشت کتاب نجات نجات نداشت** اینها نشان دهنده مخالفت حضرت امام(ره) با مشائیان و مسلک آنان است.¹⁸ به نظر امام، علوم مطلقاً عملي هستند حتي علوم معارف که نحوه عملي در آنها نیز هست يا غير آن [علوم معارف] طريق وصول به جنت مناسب با آن است و سالك طريق هر علمي سالك طريقي از طرق بهشت است.... علم مطلقاً طريق به عمل است حتي علم المعارف، منتها آنکه علم المعارف، اعمالي است قلبي و جذباتي است باطني که نتیجه آن اعمال و جذبات و صور باطنه آنها صورت جنت ذات و بهشت لقا است پس سلوک طريق علم، سلوک طريق جنت است و طريق طريق نیز طريق است.¹⁹ در نهايت امام خميني اقل مراتب سعادت را در اين می‌داند که انسان يك دوره فلسفه را بداند [مبدأ و صرف الوجود و غني بي‌نياز و نسبت عالم را به حق تعالي بداند و بداند که عالم شؤون و جلوه اوست و از خود هيچ استقلالي نداشته و ظنند و بداند که مبدأ اعلي، استكمالي از موجودات ندارد و با اينکه به اينها مستكمل نيست ولي اينها را براي خود خلق فرموده است].³

1 - تقريرات فلسفه امام خميني، ج 1، ص 87-88.

2 - امام خميني، صحيفه نور، ج 17، ص 250.

3 - احمد عابدي - آشنائي با اندیشه امام خميني، ص 11.

1 - امام خميني، چهل حديث، ص 413.

2 - تقريرات فلسفه امام خميني، ج 3، ص 471.

بخش اول:

امور عامّه

مقدمه

این بخش که به امور عامه اختصاص یافته است عبارت از همان کلیات فلسفه می باشد که مقدمه و کلید فهم فلسفه الهی است و حکمای الهی قائلند که بدون احاطه بر امور عامه نمی توان فلسفه الهی را فهم نمود پس لازمه ادراک معاد و مبدء فهم امور عامه و کلیات فلسفه است .

مباحث امور عامه در فلسفه یونان شناخته شده و محدود به اموری انگشت شمار بوده ولی در فلسفه اسلامی بسط و گسترش ویژه ای بخود گرفت و توسعه بی سابقه ای پیدا کرد و در حوزه فلسفی حضرت امام (ره) نیز مباحث امور عامه دارای برجستگی و بسطی است که اغماض از آن جفا به جایگاه حکمی امام خمینی بود لذا یک بخش جداگانه ای به کلیات فلسفه اختصاص یافته است و در این بخش موضوعاتی چون وجود و ماهیت، متعلق جعل، حرکت جوهری، سبق دهری، سنخیت علت و معلول، علیت در مجردات مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

وجود ذهنی شیء

در تقسیمات وجود، وجود به دو بخش وجود ذهنی و وجود خارجی تقسیم می شود عده ای قائلند به اینکه شیء لا ثابت فی الذهن هم داریم که امام (ره) با این بیان مقابله جدی نموده و می گوید:

الشيء اما ثابت في الذهن او في الخارج و اما لا ثابت في الذهن و لا في الخارج و حال آنکه شیء باید تصور شود تا بتوان بر آن حکم کرد و آن را مقسم قرار داد و وقتی که شیء ثابت در ذهن است چطور می توان گفت و اما لا ثابت في الذهن؟!

جواب آن این است که: انسان به اشیائی عالم است ولی ذهول از علم خود دارد و غافل است از اینکه به آنها عالم است²⁰...

امام خمینی درباره مفاهیم و تشکیک آنها قائل به عدم است یعنی بین مفاهیم تشکیکی نمی توان لحاظ نمود و حتی آنچه که در منطق آمده را بیجا میداند و می گوید:

و بالجمله: هویت خارجی است که در آن شدت و ضعف و نقصان و کمال است در مفاهیمی که جز اعتبار چیزی نیستند تشکیک نیست...

و این که در کتب منطق گفته اند: المفهوم ان تساوت افراده فمتواط و الا فمشكك²¹ حقیقتاً بی جا است زیرا تشکیک در مفهوم نیست و اگر بر مفهومی اطلاق مشكك نموده اند بالعرض و المجاز است و به تبع شدت حقیقت وجودیه افراد و ضعف

1- تقریرات فلسفه امام خمینی، ج 1، ص 14.

2 - تهذیب المنطق، ص 34، الجوهر النضید، ص 9؛ امام خمینی، تقریرات

1- تهذیب المنطق ص 34؛ تقریرات فلسفه امام خمینی، ج 1، ص 375

آنهاست و این طور نیست که حدود افراد را در موقع نزع مفاهیم ملاحظه نمود، و حدفردی را ضعیف و حد فرد دیگری را قوی دیده باشد.²²

مرحوم امام بعد از بیان قضایا به مناط آن اشاره می کند به طور تلویحی نظر مرحوم حاجی را هم ردّ می کند و می گوید:

مناط صدق قضایا تصادق نسبت با واقعیت خارجی اشياء و یا بگو با این عالم عقل

است و به این عالم اشاره شده است در ﴿وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابِ

مُبِينٍ﴾²³ و پوشیده نیست که نظر اهل فلسفه و نظر اهل الله هر کدام به معنایی

است اگر چه مرحوم حاجی هر دو نظر را به يك معنی برگردانده است.²⁴

انواع اشراق وجود به موجودات

1- قسمتی از موجودات است که در پیدایش منتظر امر کُن است، زیرا ماده ندارد و در زمانی نیست

و احتیاج به مکان ندارد و صرف الوجود است این قسم در پیدایش با کُن موجود می شود.

2- بعضی دیگر از موجودات مکانی و زمانی و صاحب ماده اند این گونه اشياء در پیدایش اضافه بر

لفظ امر کُن محتاج معادات و سیر تکاملی است مانند انسان که چون مکانی و زمانی و صاحب ماده است در پیدایش احتیاج به پدر و مادر دارد و این پیدایش و مسیر تدریجی را نمی تواند با کُن سیر نماید.

نقد امام (ره) از حاجی سبزواری (ره)

امام راحل با اشاره به اینکه مرحوم حاجی سبزواری در منظومه، شیخ مقتول صاحب کتاب حکمه الاشراق را جزء مخالفان اصاله الوجود قرار داده است²⁵. زیرا شیخ الاشراق در اوّل کتابش در قسمت منطق که بحث اصالت وجود و ماهیت را مطرح نمود ادله مفصّلی اقامه نمود تا اصالت ماهیت را اثبات نماید.²⁶ و لیکن این گونه بحث کردن فقط برای سرگرمی و جلب رضایت دیگران بوده است. زیرا همین شیخ مقتول بعد از آنکه قسمت منطق کتاب تمام می شود در آخر کتاب و قسمت الهیات، قاعده نور را تأسیس می کند و از وجود تعبیر به نور می کند و از مراتب وجود به مراتب نور اسم می برد و مرتبه واجب الوجود را نورالانوار می گوید و عالم عقل را عالم نور می نامد و تعبیری از قبیل انوار اسپهبدیه و غیره دارد و از

2- تقریرات فلسفه امام خمینی، ج 1، ص 20

3- انعام/59

4- تقریرات فلسفه امام خمینی، ج 1، ص 20

1. هادی سبزواری، شرح منظومه، بخش حکمت ص 11

2. شیخ اشراق، حکمت الاشراق، ج 2، ص 64.

رتبه وجود طبیعی تعبیر به غواسق دارد... شیخ مقتول(ره) در این قاعده نور همه ادله اصالت وجود را بیان می‌کند تا اصل نور و مراتب نور را تبیین کند و آنها را اثبات نماید.²⁷

به نظری رسد چنین بیاناتی از شیخ ناظر به روحیه شهودی و اشراقی شیخ اشراق است که از وجود تعبیر به نور و مراتب وجودی تعبیر به مراتب نور می‌کند می‌توان این گونه اظهار نظرهایی را ابداع فکری و نوآوری شیخ دانست و یا لاقلاً تقریر و تعبیر جدید از وجود باشد

امام خمینی(ره) در مواضع متعدد از ماهیات به سحره فرعون یاد می‌کند و از اعدام به هیچ محض و اصل حقیقت نوری وجود وجود ایت و معجزه از اوست و بقیه ① کسر اب بقیعه بحسبه الظمنان ماء ②²⁸

و نیز در جای دیگر می‌گوید ماهیت اصلاً "خیال بوده و وهم از روی سرسامی آن را تخیل نموده در صورتی که بیش از اعتبار حقیقتی ندارد.²⁹

در اول بحث اصالة الوجود ذکر شد که محال است دو شیء متصل متحد بوده و سر از يك وجود بیرون آورده باشند... زیرا یا باید هر دو متصل خود را از دست داده و صورت تحصیل هر دو و قامت شخصیت آنها شکسته گشته و يك شیء صاحب قامت متصل دیگری گردند و برای همین جهت گفتیم دو صورت در يك وجود فعلیت نمی‌یابند و یا اینکه یکی تحصیل خود را از دست داده لا متصل گردد و در دیگری که متصل فانی شود پس هر چیزی که در عالم، خوب فانی شده و در لا متصلی کامل شود و در ابهام توغل داشته باشد بهتر می‌تواند با متصل دیگری متحد گردد. بنابراین در شدت اتحاد، شدت فنا معتبر است... هر چه فعلیت زیادتر باشد اتحاد کمتر خواهد بود وقتی به شکسته خاطران عالم که خود را در زاویه ابهام افنا نموده‌اند نگاه می‌کنیم می‌بینیم در آغوش متعینات جای دارند.³⁰

... و همچنین جهت دیگری که باید گفت این است که قضیه الماهیه‌لیست من حیث هی الّا هی باید سالبه باشد چون در قضیه سالبه بسیطه وجود موضوع شرط نیست و چون ماهیت که موضوع این حکم است وجود ندارد لذا باید قضیه را سالبه بسیطه گفت و الّا اگر آن را موجب و ایجابی معدوله المحمول بگیریم مقتضی وجود موضوع است و لکن بسا قلم زد و زبان زد علماست - چنان که در اسفار است - که از ماهیت تعبیر می‌کنند به این که لا اقتضاست بطوری که حرف سلب را جزء محمول قرار داده و قضیه معدوله المحمول می‌شود در صورتی که گفتیم در معدولة المحمول جهت محصله یعنی جهت اقتضائیه و قوه و شأنیت چیزی شرط است چنان که سابقاً بطور مشروح ذکر شد.

مخفی نماند که این تعبیر به جهت اعتبار عقلی است چون وقتی که عقل ماهیت را ملاحظه می‌کند می‌بیند در آن جهت امتناع از وجود نیست و هكذا وحدت. این است که کأنّ چنین اعتبار می‌کند که اقتضاء داشته و شأنیت در او هست به خلاف شریک الباری - مثلاً - که در او هیچ اقتضای وجود نیست و همچنین دیوار نسبت به این که بصیر باشد ابدقابل نیست و لذا به این جهت از آن به نحو قضیه معدوله تعبیر می‌کنند بنابراین: اگر این جهت عقلیه ملاحظه شود معدوله المحمول و اگر تقریری که گذشت ملاحظه گردد سالبه بسیطه آورده می‌شود شاید این معنی باعث شده که در اسفار هر دو تعبیر آمده پس اگر کسی اینجا به عریض ما دقت کند شاید از آنجا رفع تناقض شود. 1.

3. همان، ص. 106.

4. نور(24): 39.

5. امام خمینی، تقریرات فلسفه، ج 2، ص 44.

1- همان، ج 1، ص. 204.

متعلق جعل

قول امام خمینی(ره) در بحث جعل که جعل به ماهیت تعلق می‌گیرد یا به وجود، مضطرب است زیرا در تعلیقه بر فصوص الحکم ابن عربی جعل را به ماهیت متعلق می‌داند و در تقریرات فلسفه جعل را از ماهیت سلب می‌کند.

البته عدم، کمال نیست بلکه اصل وجود کمال است که قابل اعطا و جعل است و جعل به آنچه ممکن است تعلق می‌گیرد آنچه ممکن نیست یا واجب و یا ممتنع است و این دو قابل جعل نیست و ماهیت هم از لوازم و حدود وجودات است و حد شیء بعد از وجود شیء بالتبع حاصل می‌شود پس ماهیت هم قابل جعل نیست.

والحاصل: وجود ماهیت اساساً و مطلقاً - اعم از اصلي و عرضي انکار نمی‌شود - بلکه وجود اصلي آن انکار می‌گردد و ما در اینجا مدعی هستیم که ماهیت فی الجمله موجود است گرچه به وجود عرضي و به تبع وجود موجود باشد.

علاوه بر آن: این که اصالت از آن وجود است و ماهیت نیست، ذوق عرفانی است و ما به مرتبه عارف نرسیدیم. او می‌گوید: لیس فی جبتی الا الله، و العالم خیال فی خیال لم یخلق قط. ما برای دنیا بر سر هم می‌زنیم.

بنابر این نمی‌توان حدود و ماهیات را به بیان آورد و ماهیات و حدود غیر از شوائب و اوهام چیزی نیست و اصلاً تعین و حدّ در نظام وجود غیر قابل تصدیق بوده و وجود ماهیات به کلی باطل می‌باشد چنانکه فلاسفه در اول ورود در مباحث کتاب خود می‌نویسند ماهیات موجودات بالعرض بوده نسبت وجود را به آنها بالعرض می‌دانند زیرا متعلم در اول ورود با امتلاء قلب از تحقق ماهیات و با شیطنت و هم هرچه می‌بیند تعینات و کثرات و انسان و حیوان و نبات و... را می‌بیند لذا به چنین شخصی که چشم و گوش و دلش پر از اباطیل است نمی‌توان گفت ماهیات موجود نیستند ایشان برای ارفاق به حال متعلمین اول بالعرض بر ماهیات اطلاق وجود نموده و در اواسط یا اواخر کتابشان که متعلمین يك قدم از دایرة تقلید بیرون آمده و قشور اوهام از راه تربیت علمی زایل شد آنگاه می‌گویند ماهیه من حیث هی لیست الا هی یعنی ماهیت موجود نبوده و وجود بالعرض معنی ندارد اگر وجود بالحقیقه نباشد بالعرض آن هم فایده نداشته و نیستی خواهد بود پس باید ماهیات را کنار گذاشت:

﴿إِنَّ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ﴾^{31 32}

این قیودی که عقلاً اخذ شده (ماهیت بشرط شیء - لا بشرط - بشرط لا) برای ارائه حق مطلب است که اصل و حقیقت ماهیت از همه قیود حتی قید لا بشرطیت هم خالی است چون حالات ثلاثه بر ماهیت طاری می‌شود لذا عقل این اعتبارات را نموده است و الا ماهیت بشرط الوجود هم موجود نیست بالجمله الحق کل الحق آن بود که ما گفتیم این تعبیرات برای نشان دادن کیفیاتی است که ماهیت در مرتبه غیر ذات دار است. ابن عربی در تنبیه اول از فصل ثالث فصوص الحکم جعل را متعلق به وجود دانسته است و گفته: «فالجعل انما يتعلق بها بالنسبة الي الخارج و ليس جعلها الا ايجادها في الخارج»³³.

1- نجم، 23.

2- امام خمینی، تقریرات فلسفه، ج 2، ص 187.

3- ابن عربی، فصوص الحکم، ص 19.

اما امام خمینی این بیان ابن عربی را مقبول ندانسته و جعل را متعلق به ماهیت می‌داند نه وجود؛ ایشان چنین تعلیقه می‌کند که:

ليس الجعل علي طريقة اهل الله متعلقاً بالوجود فانّ الوجود هو الحقّ بل الجعل متعلق بالمهية و لا فرق بينهما في الحضرة العلمية و غيرها و لا يختصّ بالخارج فانّ التجلي باسم الله اولاً و سائر الاسماء بالتبع في الحضرة العلمية يستتبع تعيين المهيات و ظهورها في الحضرة الاعلمية و التجلي بمقام الالوهية في الخارج يستتبع ظهورها في العين او بهذا الظهور الأستتباعي يقال الجعل في بعض الاعتبارات، و اما التجليات الوجودية الاسمانية في العلم و العين فلا يطلق عليها المجعول و الجعل الا علي مشرب المحجوبين.³⁴

نتیجه آنکه جعل به ماهیت تعلق می‌گیرد نه به وجود و هرگاه به اسم الله تجلی صورت پذیرد ماهیات در حضرت علمی تعیین پیدا کرده و در خارج ظهور پیدا می‌کند.

قاعده زوج ترکیبی

قاعده‌ای که در اول کتاب³⁵ گذشت که کل ممکن زوج ترکیبی بعمومیت درستی نیست تا وجود منبسط را هم شامل شود.

مبحث دیگر در اینجا تعیین تکلیف ماهیت است گرچه در اول کتب می‌گویند **کل ممکن زوج ترکیبی** ولی این گونه نیست که حقیقتاً در خارج دو شیء مزدوج باشد و دو شیء اصیل با یکدیگر ازدواج کرده و تعلق داشته باشند بلکه در اول به رسم تعلیم و تعلم می‌گویند: کل ممکن زوج ترکیبی و الا وقتی می‌گوییم «الانسان موجود» انسان در مقابل وجود، شیء متأصل و متحصلي نیست تا انسانیت در مقابل وجود چیزی باشد.

بلی اگر مراد از انسان و هر موجودی که معلول و مجعول است آن وجود مخصوص و موجود باشد نزاعی نیست چون بنابر قانون جعل چنانکه در مبحث جعل گذشت کمال از کمال صادر شده است. و لکن این کمال صادر، که با نظر به مصدر و مبدأ و جاعل جز حیثیت کمالیه چیزی ندارد در مرتبه معلولیت و صادریت دارای وجدان و فقدان است البته این طور نیست که فقدان، چیزی که منضم به وجدان است باشد و وجدان و فقدان دو شیء اصیل باشند تا ازدواج و ترکیب دو متحصّل لازم آید بلکه فقدان عبارت از عدم وجدان يك مرتبه از کمال است آنچه تحقق و خارجیت دارد وجدان است غیر از آن چیزی نیست و فقدان نسبت به کمال موجود کامل دیگری است و این گونه نیست که وجود صادر، نقص را دارا باشد بلکه نقص نداری است و نداری چیزی نیست....³⁶

1- امام خمینی، تعلیقه بر فصوص الحکم، ص 16.

2- ملا هادی سبزواری، شرح منظومه بخش حکمت، ص 10.

3- امام خمینی، تقریرات فلسفه، ج 2، ص 218.

تخلیه ماهیت از وجود عین تخلیه آن بوجود

امام خمینی (ره) در بحث وجود و امکان به نیاز ماهیت و ممکن به وجود اشاره می کند و وجود را لازم ماهیت دانسته و تصور ماهیت در خارج و ذهن بدون وجود را منتفی می داند و قایل است که شاید وجود برای ماهیت مغفول واقع گردیده و خود را نمایان نکند و در این باب چنین می گوید:

قد لزم الامکان للمهية و حاجة الممكن اولیة
مخفی نماید که علیت و معلولیت در وجود است و آنچه اصالت دارد قابل تأثیر و تأثر
می باشد.

پس بدان که لازم سه قسم است لازم وجود خارجی، لازم وجود ذهنی، لازم ماهیت. بعضی گمان کرده اند که لازم وجودین لازم ماهیت است یعنی آنچه در دنباله وجودین است لازم ماهیت نیز هست غافل از این که در صورتی که از وجودین قطع نظر نموده و وجودین را زیر پای غفلت گذاشته باشیم باز چیزهایی است که لازم ماهیت بوده و در متن واقع - بدون وجودین - بر قامت ماهیت دوخته شده است اگرچه تخلیه ماهیت از وجود عین تخلیه آن بوجود است زیرا هر زمانی که ماهیت جلوه نماید - ولو در ذهن - به نور وجود ظاهر است و لکن ممکن است وجود مغفول عنه بوده و اصل ماهیت مورد نظر باشد.³⁷

و الحاصل: حدوثی که وجودش در رتبه متأخر است و جز در نوبت خود موجود نمی شود اگر نوبتش نرسیده باشد معدوم است و هیچ نیست اگر بخواهد قبل از امکان قرار گیرد تقدم الشی علی نفسه لازم می آید. مخفی نمایند: طغیان قلم مرتبه حدوث را مرتبه چهارم نوشت و الا در حقیقت مرتبه هفتم است زیرا الشیء قمر فامکن فاحتاج فأوجب فوجب فوجد ثم حدث.³⁸

حرکت جوهری در عالم طبیعت و برزخ

امام راحل به بیان حرکت جوهری در عالم طبیعت می پردازد و قایل است که این حرکت تابع از مرگ نیز ادامه داشته و در برزخ مجرد عقلانی کامل نبوده و باید مرحله برزخ نیز طی شود تا بعد از آن به مجرد عقلانی رسد ایشان بایک بیان لطیفی موضوع یاد شده را بیان نموده می گوید:

معنای آیه شریفه ① اِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ اِمَّا شَاكِرًا و اِمَّا كَفُورًا این است یعنی ما به راه قهری تجردی به حرکت جوهریه هدایتشان کردیم یا کفوراً و شیطاناً می آیند و یا انساناً و شکوراً و مؤمناً راه را طی می کنند.³⁹

ناگفته نماند: در کسب فضایل این طور نیست که فرقی بین انسانها نباشد چون به محض بیرون رفتن از دار طبیعت، مجرد عقلانی کامل نیست بلکه برزخ هم هست که باید از آن برزخ هم به حرکت جوهریه گذشت تا به مجرد عقلانی صرف وارد شد پس برزخ برای همه هست و اهل برزخ، وجود برزخی بین وجود تجردی عقلانی و وجود جسمانی طبیعی دارند لذا بهشت سعادت، بهشت برزخی و جهنم اشقیاء، دوزخ برزخی خواهد بود و عالم برزخ هم یک مرحله قهری از مراتب وجود است لذا برای همه قهری است منتها کسانی که در این عالم مطالب عقلانی و فضایل کسب کرده اند راه

1- امام خمینی، تقریرات فلسفه، ج 1 ص 31

2- امام خمینی، تقریرات فلسفه، ج 1، ص 50

3- امام خمینی، تقریرات فلسفه، ج 3 ص 72

برزخیشان کوتاه است و زود به عالم مجرد عقلانی می رسند و سیر برزخی آنها کمتر می باشد و حرکت جوهری برزخیه تندتر و سریعتر صورت می گیرد چون به معاونت کسب فضایل عقلانی برای نیل به خلقت مجرد عقلانی مستعدتر هستند و همچنین آنها که کسب رذایل کرده اند دوزخ تجردی کامل، زودتر نصیبشان می شود و در دوزخ برزخی آن قدر معطلی ندارند و برای همین جهت است که آن مرد گفت: از نردبان که افتادم به جهنم افتادم - نعوذ بالله - 40

البته اکتساب فضایل یا رذایل در این سیر طبیعی این طور نیست که علت غایی باشد بلکه اینها چیزهایی است که در ضمن سیر، انسان می تواند بالا اختیار آنها را اکتساب کند بلی اینها وسیله می شوند و کانه معد هستند که جوهر در حرکت جوهری قرار گیرد مثل این است که این نبات در ضمن حرکت از ماده عالم تغذیه می کند ولی نه اینکه همان مواد بعینها در این درخت موجود می شود بلکه از حقیقت این درخت است و برای این درخت معد می شوند که با حرکت جوهریه در ذات و جوهر حرکت کند همچنین اکتساب فضائل، برای انسان معد می شود برای اینکه ترقی کند و لیکن نه اینکه اینگونه باشد که اگر این معقولات را دانست دیگر باید از طبیعت بیرون برود بلکه بیرون رفتن آن موقوف است بر اینکه سیر خود را طبعاً تمام کند و آن قهری است و مادامی که سیر طبیعی تمام نشده موت طبیعی حاصل نمی شود و اگر موت اختزایی باشد نارس است لذا ممکن است کسی خیلی معقولات را بداند ولی چون سیر طبیعی تمام نشده از طبیعت بیرون نرود و لیکن بعد از آنکه سیر طبیعی می کند اکتساب فضایل هم معد می شود که در سیر، سیر رحمانی داشته باشد و وقتی که به مرتبه کامله تجرد عقلانی رسید در سلك موجودات عقلانی خلود خواهد داشت و اگر اکتساب رذایل معد شد برای اینکه در سیر عقلانی تحت تربیت شیطان باشد يك موجود عقلانی شیطانی می شود که دیگر نجات برای او محال است و در جهنم خلود دارد. 41

پیشینه حرکت جوهریه

امام خمینی درباره حرکت جوهری گفته است:

منطقیین برای نشان دادن اصل قضیه و مراتب سابقه، اجناس و فصول را این چنین ترتیب داده اند و آنها را مفاهیم لا بشرط اخذ نموده اند و از این روشی که در تربیت اجناس و فصول عالییه و متوسطه از منطقیین وجود دارد معلوم می شود که قضیه حرکت جوهریه پیش آنها ثابت و مسلم بوده است، فلاسفه قدیم و آنهایی که منطق را احداث نموده اند، حرکت جوهریه مورد نظرشان بوده است و مفاهیم اجناس و فصول متوسطات را بر طبق خارج، لا بشرط گرفته اند، منتها از بس در نقل قول فلاسفه تغییر و تبدل رخ داده و مترجمین نتوانستند صحیح ترجمه کنند و یا درست تفسیر نمایند، اصل قضیه حرکت جوهریه از بین رفته است ولی نشانه ها و علاماتش مانده است و در زمان آخوند(ره) دوباره ثابت و مبرهن گردیده است. 42

1 - امام خمینی، تقریرات فلسفه، ج 3، ص 72.

2 - امام خمینی، تقریرات فلسفه، ج 3، ص 77.

1 - امام خمینی، تقریرات فلسفه، ج 3، ص 568.

2 - بوعلی سینا، مباحثات، ص 147.

آنچه حضرت امام درباره حرکت جوهری ادعا کرده بانظر مشهور مخالف است زیرا نظریه حرکت جوهری را از ابداعات آخوند میدانند و قبل از ملاصدر(ره) حکماء حرکت را در چهار مقوله از مقولات عرضیه کم، کیف، وضع، این، قابل بوده اند و صدر المحققین جنبش و حرکت را از خواص موجود جسمانی دانسته و به عقیده او هیچ موجودی جسمانی ثابت نیست و ثابت باید امری مجرد از ماده جسمانی باشد و همه مادیات به نظر او حسب جوهر ذات متحرکند و حرکت و جنبش در اعراض معلول سیلان اصل جوهر است و می توان برای بیان امام از تقریرات فلسفه ج 1 ص 120 دلیل تاریخی آورد که قبل از ملاصدر حرکت جوهری مطرح بوده و در آنجا آمده که در موضوع حرکت جوهری بین بوعلی و شاگردش بهمنیار اختلاف و نزاع بوده و بهمنیار قابل به حرکت جوهری و شیخ منکر آن بود بهمنیار ایرادی به شیخ می کند و شیخ پاسخ اورانی دهد شاگردش می گوید چرا جواب نمی دهی شیخ گوید که از من سوال نکردی چون بنا بر قول خودت که قابل به حرکت جوهری هستی سائل و مسئول معدوم شد من موجود تازه ام و تو نیز موجود تازه ای²

رد استشهاد ملاصدرا

حضرت امام(ره) در مواردی با ملاصدر(ره) و شیخ اشراق(ره) نیز مخالفت کرده اند. به عنوان مثال ایشان در یکی از سخنانی که برای عموم القاء می نمودند گفتند آیه ① **و تَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدًا وَ هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ** گرچه بعضی گفته اند این از حرکت جوهری است ولی ربطی به آن ندارد. امام خمینی با این بیان اعتقاد و منظر بعضی بزرگان درباره آیه فوق که دلالت بر حرکت جوهری دارد را رد می کند و اصلاً مربوط نمی داند. این سخن ایشان در حالی است که حتی بزرگترین علمای حوزه هم خود را در حدی نمی بینند که بخواهند از ملاصدرا انتقاد کنند. البته حضرت امام در جاهای مختلف به عظمت و شأن ملاصدرا اذعان دارند و حتی در جایی درباره ملاصدرا می فرماید: ملاصدرا و ما ادريك ملاصدرا و حال آنکه این آیه بزرگترین شاهد ملاصدرا بر اثبات حرکت جوهری یعنی ابتکاری ترین نظریه او در فلسفه است.⁴³¹

امام به شعری از مولوی استشهادی کند که حاکی از حرکت جوهری است:

عارفان هر دمی دو عید کنند

عنکبوتان مگس قدید کنند

این شعر سنایی غزنوی اشاره به حرکت جوهری است که این وجود جوهری که رفت چون به مبدأ بازگشت کرده یک عید و وجود دیگری که به تعاقب او آمده چون فیض و اشراق دیگری است که از دوست رسیده عیدی دیگر است.⁴⁴

مفهوم و ماهیت زمان و دهر

زمان عبارت از همان تدرج ترقی در وجود است و سیر تدریجی از نقص به کمال است و این در موجودات غیر مجرد می باشد و اما در مجردات این نحوه از سیر نیست لذا زمان در آنها نبوده و در آنها به دهر تعبیر می شود... معنای دهریت ثبوت متعلق به غیر است و این ثبوت وجودی متعلق به غیر، عبارت

1- احمد عابدی، اندیشه های فلسفی و عرفانی امام خمینی(ره)، ص 11.

2- امام خمینی، تقریرات فلسفه، ج 1، ص 124.

از دهر است و در عین حال که ثبوت مجردات صرف الثبوت است ولی چون متعلق به غیر است ابتداء و انتها داشته و به ثبوت آن غیر، محدود است...

امام در این باره می گوید که:

باید هر چیزی تحت اسمی از اسماء الهی که مناسب با اوست داخل باشد و زمان، مناسب با اسم ازل خداوند ازل است و این حاصل این مطلب بود ولی حاجی در عبارت مقداری از مطلب دوره شده و حرکت قطعی و حرکت توسطیه را مثال آورده با اینکه چندان ربطی به مطلب ندارد تا چه رسد به مثال المثالی که در حاشیه ذکر نموده است.⁴⁵

سبق دهری

حضرت امام از علیت سبق دهری تعبیر به روح الزمان می کند که گویا کسی چنین بیانی از این عنوان فلسفی ندارد:

صورت رتبه علیت داشته برای قوه و رتبه علیت سبق دهری - که روح الزمان است - بر معلول دارد.

علیت سبق دهری روح الزمان است.⁴⁶

اگر يك علت و معلولی باشد که نحوه معقولیت آنها عین نحوه خارجیت آنها باشد تقدم علت بالحقیقه بوده و مرتبه علت از مرتبه معلول منفک خواهد بود ولی نه به انفکاک زمانی. پس علت و معلولی که هر دو موجود عقلی است با اینکه از عالم طبیعت و زمان تجرید شده و از این عالم انفکاک زمانی خارجند باز هم يك تقدم و تأخر دهری خواهند داشت.

و الحاصل در این عالم و صفحه طبیعت که در حاشیه عالم واقع است وجود معلول با وجود علت از یکدیگر جدا نمی شوند و با هم هستند در عین حال عقل مرتبه یکی را در حاق عالم عقلی غیر مرتبه دیگری و مترتب بر آن می بیند پس اگر فرض کنی که علت و معلول و تأثیر و تأثر آنها در عالم عقل باشد که عقلی در عقل دیگری تأثیر کند آنجا دیگر به حکم عدم انفکاک معلول از علت، علت و معلول با هم و معاند و لکن چون عقل ماهیت دارد باز عقل اول علت را تعقل نموده و ماهیت آن را مقدم می بیند و باز ترتب و تقدم و تأخر بین آنها هست منتهی تقدم و تأخر دهری.⁴⁷

تشنیع متکلمین

اجماع قائم بنا به نقل بعض محدثین از ملیون اطلاق دارد که هر چه غیر حق است حادث به حدوث زمانی است یعنی هم عالم طبیعت را می گیرد و هم شامل غیر طبیعت و عالم عقل می شود و لکن به شمول اطلاقی. اگر ما با برهان توانستیم خلاف این معنی را در عالم عقول اثبات کنیم با برهان عقلی آن اطلاق را مقید و محصور به عالم طبیعت می کنیم.

امام بر مبنای متکلمین در خصوص حدوث زمانی ماسوی الله خرده گرفته و اجماع بر این مبنا را رد می کند و بیان می کند:

3- امام خمینی، تقریرات فلسفه، ج 2، صص 267 و 268.

1 - امام خمینی، تقریرات فلسفه، ج 1، ص 155.

2- امام خمینی، تقریرات فلسفه، ج 1، ص 116.

علاوه بر اینها معلوم نیست مبدأ این اجماع از دلیل معصومی و یا از قول نبی‌ای ثابت شده باشد بلکه متکلمین از هر ملتی که عقلشان به بعضی از حقایق نمی‌رسیده از توهم و تصور آنها می‌ترسیدند مثلاً توهم می‌کردند که چطور به موجود مخلوقی که لا اول و لا ولیته قایل باشیم و حال آنکه این صفت حقه حق است و نباید برای او شریک قایل شویم پس احتراماً به حق و فراراً از شرک می‌گوییم وقتی بوده که خدا بوده و هیچ چیزی نبوده است مثل حکایت پیرزنان که می‌گویند یکی بود یکی نبود غیر از خدا هیچ کس نبود در حالی که با این قول به قبض فیض قائل شده و در حقیقت می‌گویند **بِإِلَّهِ مَغْلُوبَةٌ غُلَّتْ أَعْيُنُهُمْ**.⁴⁸

تجدد و حرکت در معلول

حدوث و تجدد ذاتی حرکت است و ذاتی معلل نیست پس جاعل، اصل حرکت را جعل نموده است و حرکت را حرکت قرار نداده است بلکه نحوه وجود حرکت این است که ذاتاً متصرم و متجدد است و اصل وجود به جاعل تعلق دارد زیرا گذشت که جعل ترکیبی بین شیء و ذات آن یا بین شیء و ذاتیات آن باطل است...

آنچه تاکنون جواب داده شد از طرف کسانی است که به انقطاع فیض قائل نیستند. اما کسانی که مانند بسیاری از محدثین ما می‌گویند هشت هزار سال قبل فقط خدا بوده و هیچ چیز با او نبود سپس برای خداوند بقاء حاصل شد تا ایجابی کند اینها باید در واقع منکر خدا باشند چون به تجدد اراده در خداوند قایل شده‌اند و راه پیدا کردن تجدد در خداوند با انکار او مساوق است پس اینها گرفتار دردی هستند که برای آن هیچ داوویی مفید نیست.⁴⁹

فقر موجودات و حاجت‌مندی آنها

و حاجة الممكن اولیه

یعنی اگر تمام موجودات ممکنه را به صف نموده و به ناصیه آنها نظر کنیم می‌بینیم در ناصیه همه به خط جلی و خوانا نوشته شده است: **انتم الفقراء الي الله**.⁵⁰

امام خمینی نظر به این دارد که در اینجا (عالم ممکنات) بیش از اظله نیست پس فقری که غیر فقیر باشد نیست و فقیری غیر فقر نیست و افتخاری غیر فقر نیست و فقر و فقیری غیر افتقار نیست و عین الفقر و عین الافتقار و عین الفقیر است انتم الفقراء الي الله و همین عین الربط بودن است که مباهات می‌آورد که **الفقر فخري (بحار ج 9، ص 30)** پس ماهیات ممکنات ینادون بصوت عالٍ نحن الفقراء الي الله في ايّ وعاءٍ من الاوعيه.⁵¹

1 - همان، ص 116.

2 - امام خمینی، تقریرات فلسفه، ج 2، ص 398 و 399.

3 - امام خمینی، تقریرات فلسفه، ج 1، ص 32.

4 - امام خمینی، تقریرات فلسفه، ج 1، ص 49.

هیولای اولی اغنی الموجودات است برای اینکه صرف قوه الوجود است هیچ فعلیت ندارد تا ربط و وجود تعلقی داشته باشد شاید به همین معنای «فقر منزلی» اشاره باشد کلام حضرت رسول (ص) که فرمود «الفقر فخری» البته اگر این جمله را از روی نظر باطنی فرموده باشد.⁵²

رد نظریه اصولیون

در علم هستی که علم علی و معلولی است هر علتی دارای یک خصوصیت و ویژگی نسبت به معلولی خودش دارد بر اساس آن حالت و خصوصیت موجود معلول می گردد و الا اگر علت فاقد آن ویژگی باشد لازمه اش آن است که هر چیزی علت برای هر چیزی دیگری باشد و این محال است پس هر معلولی دارای علتی خاص است و از یک علت معلول واحد صادر خواهد شد امام خمینی این بحث را به فاعل الهی و علت الهی می کشاند و تقریر اصولیین در باره وجود جامع بین معالیل نسبت به علت را ابطال نموده و می گوید:

چون اینجا سخن در فاعل الهی و علت الهی است و معلول عین تعلق و ربط به علت است لذا يك معلول را دو علت نشاید چنانکه دو معلول نمی توانند معلول يك علت باشند اما در اصول حرف بی ربطی زده شده است و آن این است که: اگر دو علت مستقل بر يك معلول وارد شدند جامع بین آنها تأثیر می کند⁵³ و یا اگر دو معلول، معلول يك علت شدند جامع بین آنها معلول خواهد بود. این سخن غلط است زیرا جامع در خارج وجود ندارد و هر چه در خارج هست وجودات است و وجودات هم با یکدیگر متغایرند و هویت هر فرد در خارج غیر از هویت دیگری است البته این حرفها بر این مبناست که نظر شخص حکیمانه باشد و موجودات را مختلف ببیند چنین کسی ولو به اصالة الوجود قائل باشد چون در مراتب وجود اختلاف می بیند کثرات را خواهد دید و الا مانند محی الدین که نظر عارفانه دارد ابایی از انکار این غلغله ها و سروصداها در عالم ندارد.⁵⁴

سنخیت بین علت و معلول

در مباحث حکمی به ارتباط و سنخیت بین علت و معلول تأکید شده که باید علت و معلول هم سنخ باشند و نیز از جهت رتبه نیز باید علت اقوی از معلول باشد تا بتواند معلول را ایجاد نماید در کلام امام خمینی سنخیت علت و معلول را به عالم و علم نسبت داده و علت و معلولی را همانند عالم و علم که از یک حقیقت بشمار آورده و می گوید:

و الحاصل: نسبت علت و معلول نسبت عالم و اعلم است، علم عالم از سنخ علمی است که اعلم دارد و این طور نیست که علم در یکی کشف و در دیگری جهل و حجاب باشد بلکه علم در هر دو از يك حقیقت است منتها در یکی آن حقیقت به طور اکمل و در دیگری به طور کامل که حاوی مرتبه ای از کمال اکمل است وجود دارد البته این

5 - امام خمینی، تقریرات فلسفه، ج 3، ص 63.

1 - آخوند خراسانی، کفایه الاصول، ص 201.

2 - امام خمینی، تقریرات فلسفه، ج 2، ص 363.

در دو علمی است که بین آنها علّیت و معلولیت نیست و اما دو علمی که بین آنها علّیت و معلولیت است مرتبه علم معلولی مرتبه‌ای از مرتبه علم علی است و علم و قدرت و وجود و سایر نعوت کمالیه در عالم امکان به مقتضای کون امکانی ربط و تعلق به يك ما بالذات دارند.⁵⁵

امام خمینی در جای دیگر به این سنخیت اشاره نموده و به عینیت و کشفیت معالیل نزدعلت می پردازد و چنین می گوید:

و بالجمله: تمام معالیل او از سنخ وجود بوده و وجود صرف فقط ذات احدیت و علت اشیاء می‌باشد پس علم به ذات کشف تفصیلی تمام معالیل است... همچنین وجود صرف عین تمام اشیاء نیست ولی کشف تمام اشیاء است... همچنین تصرّم و تغیر و تبدل موجودات موجب تغیر و تجدد و تصرّم و حدوث علم باری نمی‌شود زیرا او عین اینها نیست بلکه کشف اینهاست معلوم، متغیر و حادث و متصرّم است و علم چنین نیست چنانکه در اخبار هم به این معنی اشاره شده است که «وقع العلم منه علی المعلوم».⁵⁶

علّیت در مجردات نه در طبیعیات

در ماهیات ممکنه میتوان هرگونه علّیتی رانفی نموده و طبق آیه شریفه انتم الفقراء الی الله ندای نحن الفقراء الی الله فی ایّ و عا من الاوعیه را شنید و وجود ممکنات اشعه و اظله مبدأ وجودند:

این نشئه که در مرتبه نازل عالم قرار گرفته عالم طبیعت و جسمانی است و به برهان ثابت شده که جسم علّیت نداشته و محال است از جسمی معلول صادر شود [مثال بنا و بنا] بلی در مجردات، علّیت به يك معنایی هست.⁵⁷

اقسام فاعل

حضرت امام در تقسیم فواعل به دو قسم از فاعل ها اشاره می کند که چنین تقسیمی در کتب فلسفی به چشم نمی خورد و یا لااقل قسم دوم از این تقسیم از ابداعات وی بشمار می آید و چنین تقسیمی دارد:

انواع فاعل‌هایی که در عالم است دو قسم است:

فاعل بالحرکه و فاعل بالالهیة

فاعل بالحرکه در عالم طبیعت است که فاعلیت آن به صرف حرکت بوده و ایجاد چیزی از کتم عدم از دست آن بر نمی‌آید بلکه حرکت او تنها سبب تغیر در وضع اشیاء می‌شود مثلاً آنچه از دست بنا می‌آید این است که دست خود را حرکت داده و اوضاع گچ و آهک و گل و گاه و سنگ و آب را تغیر دهد... و الحاصل عالم طبیعت عالم اندازه و مقدار است و کیفیت علل و فواعل آن کیفیت حرکت و اندازه‌گیری است. اما در علل و فواعل الهی که با قوه فعاله شیء را از کتم عدم به وجود می‌آورند گفتیم که معلول به حقیقت معلولیت در این نشئه عین ربط و عین تعلق به مبدأ است و وجود معلول ظلّ اوست و در این فاعلیت الهی محال است که عین الربط به چیزی

1- امام خمینی، تقریرات فلسفه، ج 2، ص 213.

2- شیخ کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 107؛ شیخ صدوق، توحید، ج 1،

ص 139؛ امام خمینی، تقریرات فلسفه، ج 2، ص 52-254.

3- امام خمینی، تقریرات فلسفه، ج 1، ص 40.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

علت دیگری داشته باشد و این که خصم در فرض خود که از این طرف استنتاج می‌کرد که یک شیء می‌تواند علل مستقلة داشته باشد و آن علل بر معلول واحد مجتمع الورود باشند گفتیم در فاعلیت الهیه محال است غیر از یک فعال باشد (در فاعل بالحرکه که در عالم طبیعت که عالم وحدت نیست بلکه عالم تجزیه است).⁵⁸

1 - امام خمینی، تقریرات فلسفه، ج 1، ص 95-97.